



نمایش تغییرات خورشید طی ۲۰ سال گذشته

گروه شوک: رصدخانه ناسا، فعل و انفعالات خورشیدی را که طی ۲۰ سال گذشته انجام گرفته است به نمایش گذاشت.

اکثر تغییرات انفجاری در منطقه تاج خورشیدی صورت گرفته است و تلسکوپ سوهو طی ۲۰ سال گذشته از طریق اشعه ماورای بنفش توانسته این تصاویر دیدنی را بگیرد که به گفته دانشمندان ناسا اکثر تصاویر در فصل بهار گرفته شده است. سوهو (SoHo) تاکنون توانسته بیش از ۲۷۰۰ ستاره دنباله‌دار کیهانی را کشف کند. ساخت سوهو با همکاری بین المللی بین آژانس فضایی اروپا و ناسا انجام شده است. این رصدخانه منبع اصلی داده‌های خورشیدی را مورد بررسی قرار می‌دهد و وضعیت آب و هوایی فضا را پیش‌بینی می‌کند.براساس اطلاعات این رصدخانه هر بار تغییراتی در سطوح و درون خورشید می‌تواند تأثیرات خاصی بر جو زمین داشته باشد و در هر انفجار امکان قطع ارتباطات رادیویی وجود خواهد داشت.دانشمندان ناسا می‌گویند تغییرات خورشیدی برای زمین بسیار حائز اهمیت است و کوچک‌ترین تغییر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تحلیل شوک

دروغگویی و کودکان

◀ | **حمیلا بخشی روانشناس** |

دروغ در کودک و چه در بزرگسال ناشی از ناامنی درون است و نشان می‌دهد که فرد در وضعی نامطمئن و ناایمن قرار دارد؛ در شخصیت و موقعیت او در خطر است و تنها از راه دروغ می‌تواند خود را رها کند. فرد گاهی دچار احساس حقارت شده و آزار می‌بیند. به همین دلیل برای رهایی از آن و رسیدن به تعادل و اعتدال، این راه را انتخاب می‌کند. به عقیده ما کودک از خانواده و اجتماع و از کسانی که در اطرافش هستند دروغ را می‌آموزد. اصل در آفرینش فطرت است و دروغ را از دیگران آموخته می‌شود. دیدن صور و اشکال دروغ از این و آن خود سبب ورزیدگی و کسب مهارت در زمینه دروغ می‌شود و این خود هشداری است برای والدین تا به کنترل گفتار و رفتار خود و بر حذر داشتن کودک از افراد دروغگو و اجتماع آلوده و فاسد اقدام کنند.

چشم و گوش کودک درچه‌هایی از او به سوی جهان خارج هستند. آنها نگاه می‌کنند شما چه می‌گویید و چه می‌کنید. شما ممکن است دائماً فرزندتان خود را نصیحت کنید که راست بگویند ولی عمل شما خلاف آن باشد. به خاطر داشته باشید که شما آنچه را که از شما دیده و شنیده‌اند می‌آموزند و در اجتماع امروز و فردای خود آن را به کار می‌گیرند. همه رفتار و گفتار شما سرمشق اوست و به او سیرایت خواهد کرد.

کودک برای کسب محبوبیت غیر واقع گاهی اقدام به دروغگویی می‌کند. کودک و حتی بزرگسال باید در یاد که محبوبیت قابل ارزش درسایه راستی است نه دروغ و خیانت؛ اگر راست بگوید و تنبیه شود برای او رزنده‌تر است تا آنکه دروغ بگوید و تنبیه جان به در ببرد. در این زمینه ضروری است بین ارزش حقیقی محبوبیت و ارزش کاذب آن فرقی بگذاریم و باید این مسأله را به کودک هم تفهیم کرد.

بسیاری از فرزندان ما دروغ می‌گویند به خاطر آنکه ما فرصت و امکان راستگویی را از آنان سلب کرده‌ایم. اگر به آنها بگوییم که بدون ترس و وحشت آزادند که مسأله خود را با ما در میان بگذارند و بازهای خود را به ما بگویند مشکل دروغگویی‌شان حل شده است. اصولاً صیحت صادقانه و صمیمانه در تربیت و اصلاح افراد مؤثر است.

گاهی کودکان فقط در چار چوبی می‌توانند فعالیت کنند که پدر و مادر به صورت ضوابط ریز تهیه دیده و برآن نظارت دارند. در زمینه سازندگی و رشد، یک بعد قضیه این است که به او میدان حرکت و تلاش بدهیم و او را در آن میدان آزاد بگذارید تا خود را بیازماید و قدرت و امکانات خود را کشف کند و برای اثبات ارزش وجودی خود نیازمند به دروغگویی نباشد. احساس اعتماد باعث آن می‌شود که کودک احساس کند که مسائل خود را می‌تواند به گونه‌های جدی با والدین در میان بگذارد. اگر خیانتی درباره او روا داشته شدن آن را برای شما بازگوید و شما را در جریان کارها قرار دهد. چه بسیار فرزندان جامعه که قربانی توطئه‌ها و هوس‌های شوم دیگران شده‌اند و از ترس مجازات و به خاطر نداشتن اعتماد آن را به شما نگفته‌اند و شما روزی از آن سر در آورده اید که کار از کار گذشته بود. کودکان و فرزندان ما سن و تجربه‌ای ندارند تا در سایه آن بتوانند آینده را آنچنان که هست، ببینند یا آن چنان تجربه‌ای ندارند که بتوانند عواقب نامطلوب وضعی را که در اثر دروغ پدید خواهد آمد درک کنند.

ادامه در صفحه ۱۲



مصاحبه‌های شوک با برخی از دزدان، نشان از فعالیت سازمان یافته آنان دارد

شبیخون پلیس به مخفیگاه دزدان پایتخت



ساختمانم و مدتی در کار خرید و فروش گوشی بودم و همه گوشی‌هایم کار تن دار بودند و گوشی‌های دزدی هرگز به دستم نرسیده است.

باندورزشکاران

دو ناند هفت نفره که اعضای آن از ۱۵ ساله تا ۴۲ ساله هستند اقدام به کیف‌قاپی و سرقت گوشی‌های موبایل می‌کردند که از سوی پلیس شناسایی و دستگیر شدند. اعضای این باند هر کدام نقش خودشان را در سرقت‌ها ایفا می‌کردند، به این صورت که یک بتر راننده موتور داشتند و آن فرد نقش راننده را ایفا می‌کرد و فرد دیگر به عنوان بگیر، گوشی‌ها را کیف‌ها را از افراد می‌قایید و فرد دیگر که به اسکوئر مشهور بود به عنوان فرد ضعیف وقتی با مالباخته مواجه می‌شد و از او درخواست کمک می‌کرد به بهانه دستگیری دزدان او را سوار موتور می‌کرد و به سمتی می‌برد تا همدستان بتوانند صحنه سرقت را ترک کنند و مالباخته را به اشتباه می‌انداخت. یکی از افراد که مالخر بود نیز در خانه مجری‌اش در بوهمن اجناس درزیده شده را مخفی می‌کرد که سرانجام این مخفیگاه شناسایی شد و اعضای این باند که همه هم‌محل و از منطقه پیروزی بودند، شناسایی و دستگیر شدند.این تبهکاران همه بچه‌های ورزشکار بودند تا بتوانند سر تعی نویده و فرار کنند. یکی از این پسران به نام «امیر» از سوی دامادشان آموزش دیده و در باند تبهکاران گرفتار شده بود.

پنچرکندنخودروها

دنیازاده ۲۵ ساله یکی از مالباختگان به شوک گفت: ۲۷ بهمن ماه سال گذشته بود که برای انتقال پول به غایب‌بانک رفتم اما از آنجایی که مبلغ پول بالا بود به بانک مراجعه کردم. ۵۲ میلیون تومان پول دستم بود، وقتی برای انتقال پول به یکی از بانک‌ها در پاسگاه نعمت‌آباد رفتم، متوجه شدم خودرویم پنچر شده است و در حالی که پول‌هایم را در کیف و داخل خودرویم گذاشته بودم برای پنچرگیری پیاده شدم که ناگهان دیدم یک موتورسوار در خودرو را باز کرد و کرد و کیفم را زد.درد.

سابقه‌دار حرفهای درباره نحوه سرقت به شوک گفت: به شیوه زان‌زنی عمل می‌کردیم. یکی از همدستانم طعمه را شناسایی می‌کرد سپس نقشه‌مان را عملی می‌کردیم. اگر طعمه خودرو داشت در موقعیت مناسب با چاقو لاستیک خودرو را پنچر می‌کردیم و سپس دست به سرقت می‌زدیم، تاکنون حدود هشت بار دست به سرقت زدیم که در آخرین بار از طریق دوربین مداربسته شناسایی و دستگیر شدیم.

دزدسلاح

بهزاد ۳۰ ساله که به اتهام سرقت خودروها و داشتن تیپانجه دستگیر شده بود، گفت: خودروهایی که در خیابان پارک بود را شناسایی می‌کردم و سپس به آنها دستبرد می‌دم. چندی قبل یک تیپانجه را به ارزش یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان از یکی از سابقه‌داران خریدم تا همراهم داشته باشم. آن را در خانه مخفی کرده‌بودم تا در مواقع ضروری از آن برای تهدید استفاده کنم.این مرد تبهکار شب گذشته در غرب تهران غافلگیر شد.

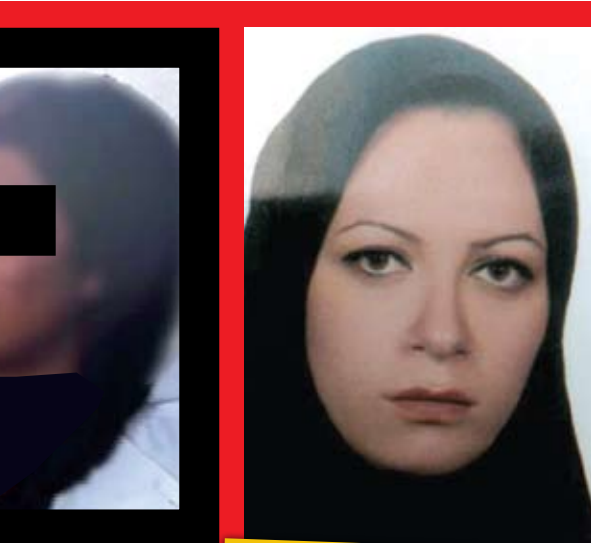
دزدموبایل

امیر حسین ۲۳ ساله که تاکنون به ۱۰۰ فقره سرقت موبایل در سطح شهر دست زده بود به شوک گفت: با خانی‌آباد زندگی می‌کنم. از روی ناچاری و بدبختی دست به سرقت می‌زدم و با همدستی یکی از دوستانم طعمه‌ها را شناسایی و از آنها زورگیری می‌کردیم و پول و موبایلشان را می‌دزدیدیم.وقتی ۳ برادر دیگر هم دارم و من فرزند سوم خانواده هستم. از اول بدبختی کشیدم و با مشکلات بزرگ شدم و همین باعث شد به این روز گرفتار شوم و این راه را انتخاب کنم. چرا من مثل بچه‌های بالا شهری نباشم؟

خرگوش دریایی

گروه شوک: خرگوش‌های دریایی نوعی حلزون هستند که در آب‌های اقیانوس آرام زیست می‌کنند.این موجود دریایی عجیب حیوانی بسیار آرام است که حرکاتی شبیه به حلزون دارد. پوست حیوان سفید بوده که با دانه‌های سیاهی پوشیده شده است.

«نخل والاس» از متخصصان دانشگاه پلی‌تکنیک کالیفرنیا می‌گوید: خرگوش‌های دریایی دارای دو ساختار آنتن مانند شبیه به گوش در بالای سر خود هستند که جزو اندام‌های حسنی این موجود دریایی به شمار می‌آید.طول عمر خرگوش‌های دریایی کمتر از یک سال است و بسیار سمی هستند.این حیوان از جلبک‌ها تغذیه می‌کند و دارای صدف تحلیل رفته از جنس کلسیم است.



شوهر این زن مظنون اصلی پلیس جنایی تهران است

مرگ مرموزیک زن در آتش افروزی هولناک

گروه شوک: رازگشایی از سناریوی هولناک سوختگی مرگبار یک زن جوان پیش‌روی پلیس جنایی پایتخت قرار گرفت.مرد جوان در حالی که همسرش نزد پرستاران ادعا کرده قربانی آتش‌افروزی شوهرش شده است، می‌گوید بیگناه است. ۳۰ خردادماه سال جاری بود که شهرام پیکر نیمه‌سوخته همسر ۳۴ ساله‌اش به نام زهرا را با آمبولانس اورژانس به بیمارستان سوانح سوختگی شهید مطهری تهران انتقال داد. خیلی‌زود وقتی پرستاران از زبان زن سوخته شنیدند که از سوی شوهرش به آتش کشیده شده است پلیس پایتخت در جریان این سناریو سوزناک قرار گرفت.مأموران پلیس در بیمارستان به بازجویی از شوهر این زن دست زدند.این مرد گفت زهرا زمانی که کفش‌های خود را پاک می‌کرده مقداری بنزین به قفسه‌سینه‌اش پاشیده و وقتی برای سر زدن به غذا به سمت اجاق گاز آشپزخانه رفته بود ناگهان شعله‌ور شده است و تا زمانی که من خودم را به او برسانم همه بدنش شعله‌ور شده بودوی افروزد، بسختی آتش را خاموش کردم و در تماس با اورژانس آنان را در جریان قرار دادم و زهرا را به این بیمارستان رساندم.مأموران وقتی شنیدند زهرا با ۸۵ درصد سوختگی قادر به صحبت کردن و پاسخگویی به آنان نیست تا بهبودی نسبی این زن به انتظار نرسند اما زهرا نه تنها بهتر نشد بلکه شدت سوختگی به اندازهای زیاد بود که پس از ۹ روز دست و پنجه نرم کردن با مرگ تسلیم سرنوشت سپاه شد.با مرگ این زن سوخته‌روی تخت بیمارستان، مجرای مر موز به باز پرس جنایی تهران مخابره شد و وی دستور داد تیمی از اداره ویژه پلیس آگاهی تهران به رازگشایی از این حادثه مرگبار دست بزنند.

گفت‌وگو با مادر زهرا

مادر سیاه‌پوش زهرا به شوک گفت: زهرا فرزند دوم من بود که با برادرش دوقلو بودند. دخترم در ازدواج اولش موفق نبود و با وجود داشتن پسران دوقلو ۱۳ ساله‌از همسرش طلاق گرفت.

وی افزود: آشنایی دخترم با همسر دومش روزهای خوش را از او گرفت. این مرد شوهر دوست زهرا بود. بعد از جدایی از شوهر اولش مدتی آنها با هم عقد موفق کردند و این در حالی بود که دامادم همسرش را طلاق داده بود.

مادر گریان ادامه داد: یک روز پیش از ماه رمضان زهرا با من تماس گرفت و گفت که شهرام را و را شکنجه می‌دهد و حالا به مسافرت رفته است و خواسته من به خانه شما بیایم، می‌ترسم او قفل درها را عوض کند. فردای آن روز تلفن زنگ خورد و دخترم گریه کنان خواست او را از خانه شوهرش نجات دهم. زهرا آسته‌هایی می‌گفت که دست شوهرش است، وقتی تماس قطع شد تا ۱۰ روز خبری از دخترم نداشتم، می‌ترسیدم به او زنگ بزنم و شوهرش باز دعوایش کند. دهم ماه رمضان بود که شوهرش تماس گرفت و گفت زهرا به خاطر سوختگی در بیمارستان مطهری بستری است و خواسته به ملاقاتش برویم چون تا حالا چند بار برای آزار ما گفته بود زهرا خودش را کشته یا مرده است باور نکردیم تا اینکه یک ساعت بعد دوباره زنگ زد و گفت به بیمارستان نروید زهرا را به سردخانه برده‌اند.بعد از قطع شدن تلفن با بیمارستان شهید مطهری تماس گرفتیم و متوجه شدیم که او این بار راست گفته است.فورا زهرا به بیمارستان رساندم، با ورود به پرستار بخش گفتیم من مادر زهرا هستم، گفت همان زن جوانی که شوهرش او را سوزانده بود چقدر دیر آمدید زهرا هر روز که بیدار می‌شد سراغ شما را می‌گرفت، متأسفانه به خاطر سوختگی زیاد صبح تمام کرد و برای علت دقیق مرگ، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد.

یکی از هم‌اتاقی‌های زهرا که پسر جوانی بود و به علت برق گرفتگی دچار سوختگی شده بود نیز به من گفت زهرا تا لحظه آخر گفته که شوهرش او را سوزانده است. با شنیدن این حرف‌ها اول به دادگاه ونگ رفتم بعد به دادسرای جنایی تا اینکه پرونده به اداره ۱۰ پلیس آگاهی فرستاده شد.

مادر زهرا گفت: دخترم فقط به خاطر آبرو و سفته‌هایی که دست شوهرش داشت جرأت نمی‌کرد جدا شود یک بار وقتی زهرا، خانه را ترک کرد تا جدا نشود دامادم از دخترم شکایت کرد و سفته‌ها را به اجرا گذاشت، پیش قاضی مدعی شده بود برای کارگاه تولیدی، این زن از وی پول گرفت و حالا که ورشکست شده پول وی را از خودره است. تنها ناشی که او ردیم پرونده دزدی شوهرش از خانه همسایه‌اش زیر دست همین قاضی بود که توانست دخترم را تبرئه کند.همیشه دامادم به ما می‌گفت ۵۰ میلیون به من بدهید از زهرا جدا می‌شوم و تمام سفته‌ها را هم جلوی چشمتان پاره می‌کنم.با تمام این اتفاقات فقط خواستار مشخص شدن حقیقت هستم که اگر دامادم مقصر در مرگ دخترم است به سزای اعمالش برسد.خواهر داغدار زهرا نیز به شوک گفت: زهرا و شوهرش از یکماه و نیم پیش به عقد دائم هم درآمده بودند. در این مدت رفتارهای زهرا به کلی عوض شده بود یک بار با ما تماس می‌گرفت شروع به ناسزاگویی می‌کرد چند بار از خانه فرار کرد و به خانه من آمد که دیدم همه پاهایش چاقو خورده و لباس‌هایش پاره شده است هر بار که فرار می‌کرد با تلفن و تهدیدهای شوهرش مجبور بود که برگردد.

پرونده در اداره ویژه قتل

با توجه به تحقیقات پلیسی از پرستاران و کسانی که بعد از حادثه سوختگی مر موز زهرا از زبان وی شنیدند تاوسط شوهرش به آتش کشیده شده است پرونده در اداره ویژه قتل تحت پیگیری ویژه است.باز پرس پرونده برای مشخص شدن واقعیت حادثه از سوی پلیس و کارشناسان دستور تحقیق از شوهر این زن را صادر کرده است.

گروه شوک: روژان کوچولو در یکقدسی مادرش از داخل کالسکه ربوده شد و چند ساعتی مهمان زن کودک‌ربا شد.



زن کودک ربا

در کمتر از ۴ ساعت

دستگیر شد

ربودن

روژان کوچولو

از داخل کالسکه

ساعت ۱۰/۵ شب چهارم مرداماده،

زن جوانی در مشهد در تماس با پلیس

۱۱۰ از ربودن دختر نوزادش خبر داد.

با گزارش این کودک‌ربایی و با

توجه به اهمیت موضوع، مأموران

کلاتسری الهیه مشهد وارد عمل

شدند و با اجرای طرح مهار در محل،

تحقیقات خود را در خیابان نیکی

۵ آغاز کردند.در تجسس‌های محلی

یکی از اهالی ادعا کرد ساعتی پیش

از جوانی را با مانتویی چهارخانه در

محل دیده که با نوزادی در آغوشش

به سمت خیابان اصلی می‌دوید و سوار

یک تاکسی شده است. با این سرخ

مأموران به سراغ دفتر تاکسی رفتی

محل رفتند و متوجه شدند یک زن با

همین مشخصات ابتدا به بلوار طبرسی

رفته و سپس در قاسم‌آباد پیاده شده

است.با توجه به نشانی به دست آمده،

پلیس به خانه آدم را رفت و پس از

پیدا کردن نوزاد سه ماهه و دستگیری

این زن در کمتر از چهار ساعت

نوزاد ربوده شده را ردیابی کرد و در

ساعت ۲ بامداد به آغوش خانواده‌اش

باز گرداند.سر تسبیع بهمن امیری مقدم

فرمانده پلیس خراسان رضوی در این

باره گفت: زن کودک‌ربا به موادمخدر

اعتیاد دارد و شوهرش کارگر است. آن

طور که از اعتراضات وی مشخص شده

مسادر این کودک ساعت ۲۲ در حالی

که قصد انتقال وسایلی به داخل خانه

را داشته برای چند ثانیه فرزندش را

مقابل در رها کرده و به داخل خانه رفته

است. آدم‌ربانیز از آن کسب استفاده

کرده و نوزاد را از کالسکه ربوده است.

گفت‌وگو بازن کودک‌ربا

زن جوان که ۲۹ ساله است درباره

این حادثه گفت: شوهرم کارگر است و

خودمم اعتیاد به مواد دارم. یک نوزاد

خردسال و یک کودک شش ساله

دارم. در شب حادثه از خیابان نیکی

۵ رد می‌شدم که دیدم نوزادی تنها در

کالسکه مقابل یک خانه رها شده است.

در یک لحظه تصمیم گرفتم و بدون

سرو صدا جلو رفتم. مادر کودک هنوز

بیرون نیامده بود که نوزاد را در آغوش

گرفتم و به سمت خیابان اصلی دویدم.

روژان کوچولو را در خانه خواهرم

گذاشته و به خانه خودم رفتم.

وی گفت: در حالی که کودک را

در آغوش داشتم در خیابان تاکسی

سوار شدم و ابتدا به خانه خواهرم

بلوار طبرس رفتم و نوزاد را در آنجا

گذاشتم سپس سوار همان تاکسی

شدم و به خانه خودم در قاسم‌آباد

رفتم.بنابر این گزارش، هنوز انگیزه

این زن مشخص نیست و تحقیقات در

این باره و همچنین همدستان احتمالی

او ادامه دارد.

